

توصیف وضعیت تکدی‌گری در شهر تهران و پیشنهاد دو سناریو

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۸/۵

هاشم آرام^{۱*}، دکتر عباس قنبری باغستان^۲

چکیده

یکی از شناخته شده‌ترین آسیب‌های اجتماعی که در اکثر جوامع با شدت کمتر یا بیشتر وجود دارد، تکدی‌گری است. آنچه تکدی‌گری را به موضوعی مهم در حیطه سیاست‌گذاری اجتماعی تبدیل می‌کند، نه تنها خود پدیده که پیامدهای آن مانند گسترش آسیب‌های فردی و اجتماعی، شکل‌گیری فضای اجتماعی ناامن، گسترش بی‌عدالتی اجتماعی و هدر رفتن بخشی از نیروی جامعه است. آمارها و اطلاعات موجود نشان می‌دهد تکدی‌گری در شهر تهران بعد از اعتیاد دومین آسیب اجتماعی است، از این رو پرداختن به این موضوع در جهت شناخت ابعاد مختلف آن و ارائه راهکارها و سیاست‌های مناسب حائز اهمیت است. در همین راستا هدف اصلی این مقاله بررسی وضعیت تکدی‌گری در شهر تهران و ارائه سیاست اجتماعی موثر است. روش تحقیق اسنادی و سناریونگاری بوده و با بهره‌گیری از مطالعات پیشین و آمار و اطلاعات موجود وضعیت تکدی‌گری، علل و عوامل تأثیرگذار و متولیان رسیدگی به این گروه آسیب‌دیده و در نهایت برنامه‌ها و فعالیت مدیریت شهری، تجزیه و تحلیل شده است. در نهایت با توجه به مرور سیاست‌گذاری‌های فعلی و پیشین در مواجهه با پدیده تکدی‌گری و نیز با بهره‌گیری از رویکردهای نظری کلان وفاق و تضاد، برای انتخاب سیاست اجتماعی مناسب با روش سناریونگاری، دو سناریوی پیشنهادی عملگرا و آرمانگرا ارائه شده است که سناریوی عملگرا مرتبط با حوزه‌های نظری وفاق که بر سطوح فردی و خرد در شکل‌گیری پدیده تکدی‌گری تأکید دارد و سناریوی آرمانگرا در راستای حوزه نظری تضاد، در شکل‌گیری پدیده تکدی‌گری بیشتر نابرابری‌ها و ساختارهای کلان را دخیل می‌کند.

واژگان کلیدی: سیاست اجتماعی، تکدی‌گری، شهر تهران.

۱. * نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، علوم و تحقیقات تهران و عضو گروه پژوهش‌های راهبردی مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران. Hashem.aram@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه تهران

مقدمه و طرح مسأله

سیاست اجتماعی مجموعه‌ای از راهکارها و برنامه‌هایی است که دولت یا دیگر سازمان‌ها برای نائل شدن به اهداف اجتماعی مشخص اتخاذ می‌کنند. امروزه سیاست اجتماعی تبدیل به یکی از مهم‌ترین حیطه‌های دخالت، اعم از دولتی و غیردولتی - در راستای اصلاح امور در جوامع شده است. سیاست‌های اجتماعی با آنکه طیف وسیعی از اقدامات، فعالیتها و رویکردها را در خود دارند، غالباً (و نه همیشه) همگی چشم به "اصلاح امور جامعه" دارند. لذا مقابله با آسیب‌های اجتماعی، کاهش ابعاد و پیشگیری از بروز آنها از اهداف اصلی سیاست‌های اجتماعی بشمار می‌آید.

گیلمور^۱ تکدی‌گری را یک فعالیت سازمان یافته می‌داند که فرد در آن، تکدی‌گری را به کار کردن ترجیح می‌دهد، هر چند که توانایی کار کردن را دارد (شیخاوندی، ۱۳۷۳، فتحی، ۱۳۸۰: ۱۶). تکدی‌گری مانند دیگر پدیده‌های اجتماعی، دارای پیچیدگی‌های خاص خویش است که شناخت دقیق و علمی ابعاد آن را ضروری می‌سازد. خود واژه "تکدی‌گری" مفهوم گسترده‌ای است و انواع بسیار متنوعی از فعالیتها را در برمی‌گیرد که باید برای تحلیل درست از یکدیگر مجزا شوند. شناخت این ابعاد، نتایج نظری و عملی قابل ملاحظه‌ای بر چگونگی مقابله با این پدیده و حدود و ثغور فعالیت‌های مداخله‌ای خواهد داشت. از سوی دیگر باید به این نکته توجه داشت که معمولاً دیدگاه‌های نظری تبیین‌کننده موضوع نیز تأثیر به‌سزایی در شکل‌گیری سیاست‌های اجتماعی دارند. لذا بدون فهم نظری درست و دقیق از پدیده اجتماعی، سیاست‌ها پراکنده و فاقد انسجام درونی بوده و قادر به تحقق اهداف پیش‌بینی شده نیستند. مسأله دیگری که در سیاست‌گذاری مورد توجه قرار می‌گیرد، لزوم توجه به ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی جوامع در تدوین سیاست‌های اجتماعی است. به ویژه در برخورد با پدیده‌ای دیرپا مانند تکدی‌گری، عدم توجه به باورها و ارزشهای فرهنگی جامعه و الگوبرداری صرف از سیاست‌های اجتماعی سایر کشورها نمی‌تواند راهگشای حل مسأله باشد. موضوع دیگر، مسأله متولیان امر سیاست‌گذاری اجتماعی در حوزه مقابله با تکدی‌گری است، بدین معنا که چه ارگان و سازمانی - اعم از دولتی و غیردولتی - باید مسئولیت

1. Gillmore

سیاستگذاری در حوزه مقابله با تکدی‌گری و اجرای این سیاستها را بر عهده گیرند. با عنایت به جنبه‌های مختلف مطرح شده در بالا، باید به این مساله اذعان کرد که ارائه یک برنامه سیاستگذاری اجتماعی مدون برای مقابله با پدیده تکدی‌گری، کار پیچیده‌ای است که نیاز به دقت نظری و بررسی کارشناسی دارد. عدم توجه به ملزومات اشاره شده در بالا می‌تواند منجر به اقدامات پراکنده، از هم گسیخته و ناکارآمد در برخورد با این پدیده شود؛ بدین معنا که هزینه و وقت بسیاری صرف مواجهه با این پدیده شود، اما به دلیل عدم شناخت درست پدیده، نه تنها اهداف مورد نظر محقق نشوند بلکه با اتلاف منابع و در حال بدبینانه، وخامت بیشتر مساله یا بروز پیامدهای نامطلوب دیگر روبرو شویم. در این مقاله تلاش می‌شود با توجه به موارد مطرح شده در بالا، ویژگی و ملزومات یک سیاست اجتماعی جامع و منسجم برای مقابله با پدیده تکدی‌گری تعیین شود. این کار از طریق تدقیق در تعاریف و معانی پدیده، بررسی رویکردهای نظری و سیاستی به این موضوع و شناسایی متولیان این امر صورت می‌گیرد. بطور کلی مسأله اصلی این تحقیق عبارت است از؛ وضعیت تکدی‌گری در شهر تهران به چه صورت است؟ و سیاست اجتماعی مناسب جهت مواجهه با پدیده تکدی‌گری کدام است؟

مرووری بر برخی تحقیقات مرتبط: علل، عوامل و پیامدهای تکدی‌گری

منابع مختلف پژوهشی در ایران (ستوده، ۱۳۸۶: ۱۸۸ - ۱۸۵؛ حاجیان مطلق، ۱۳۸۳: ۲۰۲؛ متظر قائم، ۱۳۸۶: ۶۳؛ اکبری و اکبری، ۱۳۹۰: ۲۵۳ - ۲۴۷) دلایل متعددی را برای تکدی‌گری بیان داشته‌اند از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: فقر، بیکاری و عدم اشتغال، عدم تأمین اجتماعی، عدم تحقق عدالت اجتماعی و توزیع نامناسب فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی، رفاهی و ثروت، مهاجرت، عادت نامطلوب اجتماعی و تن‌پروری و عدم ارزشمند بودن کار و فعالیت، اعتیاد، فوت سرپرست خانوار، عدم موجود قوانین و مقررات قاطع و روشن در برخورد با پدیده تکدی‌گری، سست شدن پایه‌های اخلاقی و اعتقادی، عدم تقبیح تکدی‌گری در جامعه و عدم نگرش منفی نزد مردم، اغفال افراد توسط باندهای مخوف و سودجو، نابسامانی‌های اجتماعی - فرهنگی، عدم وجود سازمان و تشکیلات منسجم در برخورد با معضل تکدی‌گری و انجام اقدامات محدود و مقطعی، معلولیت‌های جسمانی - ذهنی و عدم توانایی برای کار و فعالیت، نداشتن تخصص و مهارت، ناآگاهی از وجود دستگاه‌ها و

سازمان‌های حمایتی، تشویق بستگان، نزدیکان و دوستان، بی‌اعتنایی خانواده‌ها به سرنوشت فرزندان، ازدیاد فرزند، سود دهی بدون زحمت درآمدهای تکدی‌گری. همانطور که مشاهد می‌شود، مجموعه گسترده‌ای از عوامل در شکل‌گیری این پدیده نقش دارند. در یک دسته بندی، موارد فوق را می‌توان به شکل ذیل دسته‌بندی و جمع بندی نمود:

الف) عوامل اقتصادی: بیکاری، سطح درآمد پایین، تورم، درآمد ملی پایین، وقوع قحطی، توزیع غیرعادلانه سرمایه ملی (ستوده، ۱۳۸۶: ۱۸۵؛ حاجیان مطلق، ۱۳۸۳: ۱۹۷). ب) عوامل فرهنگی: سست شدن ارزش‌های اخلاقی و اعتقادی، تن‌پروری و تنبلی، عدم نگرش منفی به تکدی‌گری و تقبیح آن در جامعه (ستوده، ۱۳۸۶: ۱۸۶؛ حاجیان مطلق، ۱۳۸۳: ۱۹۸). ج) عوامل اجتماعی: خانواده، عدم کنترل و نظارت اجتماعی، آموزش و پرورش ناقص، عدم تحقق عدالت اجتماعی، عدم تأمین اجتماعی، حاشیه نشینی، مهاجرت‌های بی‌رویه (اکبری و اکبری، ۱۳۹۰: ۲۵۰-۲۴۷؛ حاجیان مطلق، ۱۳۸۳: ۱۰۰-۱۹۹؛ ستوده، ۱۳۸۶: ۱۸۸-۱۸۷). د) عوامل محیطی و طبیعی: بلایای طبیعی مثل سیل و زلزله، خشکسالی، آتش‌سوزی (کوچکیان فرد، ۱۳۵۳: ۲۲۹؛ اکبری و اکبری، ۱۳۹۰: ۲۴۷). و) عوامل فردی: معلولیت جسمی و معلولیت ذهنی - روانی، اعتیاد، جنسیت، سن، وضعیت تأهل، تحصیلات، درآمد، محل تولد (کوچکیان فرد، ۱۳۵۳: ۲۳۷-۲۳۶؛ اکبری و اکبری، ۱۳۹۰: ۲۵۲-۲۵۱؛ ستوده، ۱۳۸۶: ۱۸۸).

بدیهی است که سیاستگذار باید توجه داشته باشد که بر اساس وزن و اهمیت هریک از این عوامل در جامعه هدف، نوع مداخلات و برنامه‌ها تفاوتها و ویژگی‌های خود را پیدا می‌کند. لذا سیاست مناسب با حساسیت‌های لازم را به علل و عوامل پیدایش تکدی‌گری داشته باشد. سیاستی که برای متکدیانی که اعتیاد دلیل تکدی‌گری آنهاست، از سیاستی که متکدیانی فقیر شده به دلیل مشکلات ساختاری اقتصاد را هدف قرار می‌دهد، باید متفاوت باشد. آنچه در این میان اهمیت خاصی می‌یابد، انجام تحقیقات مفصل برای یافتن "علل و عوامل زمینه‌ای" خاص هر مساله است، بدین معنا که باید تلاش کنیم تا مهم‌ترین عوامل این پدیده را در بستر کشور خود درک کنیم و جریان سیاستگذاری معطوف به آن شکل گیرد. برای مثال ممکن است در بستر کشورهای اروپای شرقی یا آمریکا، الكل و اعتیاد به الكل نقش مهمی در رواج تکدی‌گری بازی کند و سیاست‌گذاران نیز با علم به این موضوع بخش بزرگی از سیاستهای ابداعی خود را معطوف به این امر گردانند اما باید دید که آیا در کشورهای اسلامی - از جمله ایران -

نیز وضع به همین منوال است یا خیر. یا ممکن است تحقیقات به ما نشان دهند که وجود پیوندهای عمیق خانوادگی در جوامع سنتی، مانع از رواج پدیده تکدی‌گری می‌شود، اما آیا در کشورهای غربی یا حتی آفریقایی نیز وضع به همین منوال است؟ در این مثال، برنامه‌های سیاستی معطوف به استحکام خانواده را می‌توان در کشورهای پیشامدرن جزئی از سیاستهای معطوف به کاهش تکدی‌گری دانست، اما ممکن است در جایی دیگر این برنامه‌ها از چنین کارکردی برخوردار نباشند.

در باب پیامدهای تکدی‌گری نیز تحقیقات بسیاری صورت گرفته و منابع مختلف بر اساس رویکردی که به پدیده تکدی‌گری دارند، به پیامدها و تبعات خاصی توجه کرده‌اند که از آن میان می‌توان به این موارد اشاره نمود: گسترش آسیب‌های فردی و اجتماعی از جمله: فروش مواد مخدر و مشروبات الکلی، شکل‌گیری باندهای مختلفی از متخلفان، بهره‌کشی از کودکان و زنان و سالمندان و معلولان و دیگر افراد کم‌توان یا ناتوان، برهم خوردن نظم و امنیت در جامعه، برهم خوردن چهره خیابان‌های شهر و در کل جامعه، هدر رفتن بخشی از نیروی جامعه و تن‌پروری و در واقع تحمیل هزینه‌های اضافی به جامعه، تغییر ارزش‌ها و هنجارها در طول زمان، شیوع بیماری‌ها و صدمه به سلامت (روانی، جسمی) فرد و جامعه، بازتولید چرخه فقر و تداوم آن (بیات، ۱۳۸۷: ۱۴۰-۱۳۹؛ اکبری و اکبری، ۱۳۹۰: ۲۰۴).

بدین ترتیب به نظر می‌رسد، پیامدهای تکدی‌گری نیز محدود به اموری مشخص نباشند و بخشهای متفاوتی از جامعه را درگیر کنند. در اینجا نیز آنچه اهمیت دارد، شناخت "مهم‌ترین" و "اصلی‌ترین" پیامدهاست که ممکن است از کشوری به کشور دیگر و حتی از منطقه‌ای به منطقه‌ای دیگر تفاوت کند. برای مثال برطبق یک گزارش یونسف، یکی از مهم‌ترین پیامدهای رواج تکدی‌گری در عربستان سعودی، قاچاق و بهره‌کشی از کودکان در این امر بوده است، یعنی بار اصلی تکدی‌گری در عربستان بر روی دوش کودکان است، اما ممکن است در جای دیگری اوضاع بدین منوال نباشد. همچنین در مورد اینکه آیا واقعا تکدی‌گری موجب برهم خوردن نظم جامعه می‌شود، نیز باید در هر بستر تحقیقاتی خاص صورت گیرد. برای مثال یک سوال آغازین می‌تواند این باشد که چگونه تکدی‌گری منفعلانه افراد فقیر در خیابانها می‌تواند موجبات برهم خوردن نظم عمومی یک جامعه بزرگ را فراهم آورد؟ بدیهی است که بسیای از سیاستهای اجتماعی معطوف به پیامدهای یک پدیده هستند و نمی‌توان بدون شناخت دقیق

پیامدها دست به طراحی و اجرای چنین سیاستهایی زد.

ادبیات نظری؛ مسئله تکدی‌گری

جامعه‌شناسان معتقدند که در بسیاری موارد تنها فرد نیست که دچار مشکل است بلکه کل جامعه با مشکل روبروست که نتوانسته امکانات موجود خود را به طور مناسب بین اعضا توزیع کند. توزیع نامناسب امکانات و منابع باعث به وجود آمدن فاصله طبقاتی در بین اقشار مختلف جامعه شده که زمینه ساز بروز بیماری‌هایی به شکل جرم و آسیب‌های اجتماعی از جمله تکدی‌گری در جامعه می‌شود (اکبری و اکبری، ۱۳۹۰: ۲۴۴).

رویکرد نظری به امر تکدی‌گری، از آن لحاظ حائز اهمیت است که دیدی عمیق‌تر به موضوع را پیش روی محققان می‌گذارد، همچنین انتخاب‌های سیاستگذاران اجتماعی و نحوه مواجهه آنها با موضوع به شدت متأثر از دیدگاه نظری آنهاست. برای مثال بسته به اینکه علت تکدی‌گری را در فرد متکدی جستجو کنیم و یا در ساختار جامعه، ممکن است دو روش متفاوت را برای مداخله برگزینیم.

دیدگاه‌های نظری حول تکدی‌گری، مانند هر پدیده اجتماعی دیگر، را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد؛ دسته اول نظریات بیشتر معطوف به نقش و عوامل فردی در بسط و شکل‌گیری این پدیده هستند و آنها را مهمتر می‌دانند، در حالیکه دسته دوم بیشتر بر نقش ساختارهای اجتماعی و اقتصادی متمرکز هستند و نقش این ساختارها را مورد بررسی قرار داده و اهمیت بیشتری برای آنها قائل می‌شوند. بدیهی است که در هر دو دیدگاه، به عوامل سطح دیگر نیز توجه می‌شود و تنها نقطه تفاوت "تاکید" بر یکی از دو سطح است. بحث "سطح تحلیل" ما را به ارائه دسته بندی دیگری از رویکردهای نظری نیز سوق می‌دهد که در ان عوامل این پدیده در سه سطح خرد، میانه و کلان مورد بررسی قرار می‌گیرند.

کسانی که بیشتر بر عوامل فردی و خرد گرایش فرد به تکدی‌گری تکیه دارند، به عواملی مانند معلولیت، آسیب‌های روانی و اخلاقی و مانند اینها اشاره دارند، در حالیکه در سطح میانه، عوامل و رویکردهای مربوط به خانواده و گروه همالان قرار دارند و در سطح کلان ما با نابرابری‌های ساختاری و بی عدالتی اجتماعی مواجه هستیم. در میان نظریات شناخته شده در باب پدیده‌های اجتماعی، نظریات گروه وفاق را می‌توان بیشتر متعلق به سطح فردی دانست،

در حالیکه نظریات مکتب تضاد، بیشتر به مشکلات ساختاری و کلان اشاره دارند. جدول (شماره-۱) زیر تلاش نموده است تا به عنوان نمونه چند دیدگاه مشهور در زمینه بروز این پدیده و سطوح مربوط به آنها را خلاصه کند.

نظریه یادگیری اجتماعی^۱

بر طبق این نظریه، ساترلند معتقد است که رفتار مجرمانه در تماس با سایر اشخاص و در جریان یک ارتباط (به عنوان یادگیری اجتماعی در رود جامعه‌پذیری) آموخته می‌شود. یک فرد هنگامی بزه‌کار می‌شود که تعبیرهای نامناسب در احترام به قانون بر تعبیرهای مناسب چیره شود. به عبارت دیگر کسانی که بزه‌کار می‌شوند، بدین لحاظ است که در تماس با الگوهای مجرمانه هستند و الگوهای ضد بزه ندارند، لذا در این تجزیه و تحلیل می‌توان تأثیر و نقش تقلید را در زمینه بزه‌کاری بسیار مؤثر دانست (گسن، ۱۳۷۰: ۱۵۰). در واقع این نظریه بیان می‌دارد که اگر نزدیکان و کسانی که فرد با آنها رابطه دارد دچار انحرافات اجتماعی باشند تأثیر زیادی بر تشکیل و تقویت نگرش انحراف می‌گذارند و فرد را به سوی انحراف سوق می‌دهند.

نظریه فشار ساختاری

بر اساس این نظریه، فشار اجتماعی سبب کج رفتاری افراد می‌شود. مرتن معتقد است هنگامی که بین اهداف نهادی شده و وسایل نهادی شده برای نیل به آنها، هماهنگی وجود دارد و اکثریت افراد جامعه برای دستیابی به اهداف و ارزش‌های نهادی شده، بر طبق هنجارهای مقرر یا وسایل نهادی شده عمل می‌کنند، شیوه‌های انطباق فردی یا مسایل و آسیب‌های اجتماعی وجود ندارد یا بسیار محدود است. اما هنگامی که تبلیغ و تاکید فراوانی، در مورد اهداف نهادی شده به وسیله نظام جامعه‌پذیری وجود دارد و سطح توقعات مردم برای دستیابی به تحرک اجتماعی افزوده شده است، اما وسایل و شیوه‌های نهادی شده برای نیل به این اهداف فراهم نیست با این شیوه‌های نهادی شده برای همگان قابل دسترسی نیست، عدم تعادل ساختاری، بی‌سازمانی اجتماعی و شیوه‌های انطباق فردی نمود می‌یابد (اسکیدمور، ۱۳۷۴: ۱۶۲). این وضعیت در جوامع در حال توسعه که نیروی انسانی به عنوان محرک توسعه در نظر گرفته می‌شود، فشار بیشتر و در نتیجه، بی‌سازمانی اجتماعی، آنومی و رفتارهای انحرافی بیشتر به وجود می‌آورد (معمدی، ۱۳۸۷: ۶۲).

نظریه کنترل اجتماعی^۱

کنترل اجتماعی را از مهمترین مباحث اجتماعی می‌دانند. برخی تا آنجا پیش رفته‌اند که نه تنها تمامی جامعه‌شناسی بلکه علوم اجتماعی را مباحثی در حوزه کنترل اجتماعی می‌دانند. کنترل اجتماعی با اولین گام‌های انسان‌ها به سوی تکوین جامعه پدید می‌آید و هیچ جامعه‌ای از آن روی گردان نیست. از آنجا که جامعه یا گروه اجتماعی همواره در صدد است حتی ناپیداترین رفتار انسانی را در کنترل خویش درآورد و پس سخن نه در لزوم یا عدم لزوم کنترل اجتماعی است، بلکه در حدود آن، شیوه‌ها و روش‌های اعمال شده از جانب جامعه در راه تحقق آن و انواع آن است. یکی از اساسی‌ترین شیوه‌های کنترل اجتماعی، آموزش رفتار اجتماعی از آغاز کودکی است. با این شیوه هنجارها، قواعد و الگوهای اجتماعی در اعماق ذهن انسان‌ها جای می‌گیرد (ساروخانی، ۱۳۷۹: ۸۳). هیرشی یکی از صاحب نظران، نظریه کنترل اجتماعی است. او اعتقاد دارد کجرفتاری زمانی واقع می‌شود که پیوند میان فرد و جامعه ضعیف باشد. او ۴ عنصر اصلی را موجب تحکیم رابطه فرد و جامعه مصرفی می‌کند: ۱- وابستگی^۲ ۲- تعهد^۳ ۳- مشغولیت^۴ ۴- ایمان و عقیده (معمدی، ۱۳۸۷: ۶۸-۶۹).

نظریه تضاد^۵

این نظریه موضوع انحرافات را بیشتر به شکل طبقاتی می‌بیند و ریشه آن را در قشربندی جامعه جست‌وجو می‌کند. که عده‌ای اندک ثروت جامعه را در دست دارند و در عمل گروه‌های قدرتمند تمایلات خاص اقتصادی و سیاسی دارند و قدرتمندان قوانین را با معیارهای طرفداری از منافع طبقاتی خود به تصویب می‌رسانند (اکبری و اکبری، ۱۳۹۰: ۹۵). طبق این دیدگاه کج رفتاری و روی آوردن به رفتارهای انحرافی از جمله «تکدی‌گری» در جامعه ساخته و پرداخته و در جامعه تعریف می‌شود. به طور کلی از این دید ریشه مشکلات و انحرافات در جامعه عوامل ساختاری جوامع می‌باشد از جمله مهمترین عوامل به وجود آورنده انحرافات و آسیبها، نابرابری می‌باشد.

1. Social control
2. Attachment
3. commitment
4. Involvement
5. Conflict Theory

جدول ۱. ماتریس رویکردهای نظری پدیده تکدی‌گری

منابع	فرض اصلی	نظریه پردازان	نظریات	سطوح بررسی	پارادایم
گسن، ۱۳۷۰	علت روی آوردن به افراد به تکدی‌گری، تعداد تماس‌های انحرافی بیشتر آنان نسبت به تماس‌های غیر انحرافی می‌باشد. به عبارتی افراد در فرایند اجتماعی شدن و جامعه پذیریشان این رفتارها و انحرافات را می‌آموزند.	ساترلند، برگس، گلنیز، ایکرز.	یادگیری اجتماعی	خرد/کلان	وفاق
اسکیمور، ۱۳۳۴؛ متمدی، ۱۳۸۷	هنگامی که انسان‌ها در جامعه دچار ناکامی منزلتی شوند، شکاف بین اهداف و هنجارهای اجتماعی و ابزارهای رسیدن به آنها می‌تواند منجر به کجروی از جمله تکدی‌گری شود.	مرتن، کوهن، کلاوارد، اوهلین.	فشار ساختاری		
ساروخانی، ۱۳۷۹	طبق این دیدگاه علت اصلی روی آوردن افراد به تکدی‌گری فقدان کنترل اجتماعی می‌باشد.	هریشی، بریتویت.	کنترل اجتماعی		
اکبری و اکبری، ۱۳۹۰	بیش از آن که عوامل و عناصر فردی در گرایش افراد به تکدی‌گری موثر باشد، عوامل و عناصر ساختاری جامعه است که تأثیر موثر دارند بر گرایش افراد به انحرافات از جمله تکدی‌گری.	مارکسیستها، فمنیستها	تضاد	کلان	تضاد، انتقادی

آنچه رویکرد نظری را در ارتباط با سیاست‌گذاری اجتماعی حائز اهمیت می‌سازد، اهمیت نحوه درک یا همان رویکرد نظری در برنامه‌ریزی و اجرای سیاستهای اجتماعی است. برای مثال چنانچه این مشکل را در سطحی فردی و خرد درک کنیم، سیاستگذاری اجتماعی ما نیز بیشتر معطوف و متمرکز بر تقویت و توانمندسازیهای فردی خواهد بود، برای مثال تلاش خواهیم کرد تا برنامه‌های مهارت‌شغلی و مهارت‌زندگی، تقویت روحیه فردی، تشویق و کمک برای ادامه تحصیل و اجتناب از ترک تحصیل و مانند اینها را در راستای مبارزه با تکدی‌گری به پیش بریم. اما چنانچه رویکرد نظری ما یک رویکرد کلان باشد، تلاش خواهیم کرد با اجرای برنامه‌های کلان مبارزه با بی‌عدالتی اجتماعی، تلاش برای افزایش سطح درآمد جامعه و مانند اینها، به مقابله با تکدی‌گری پردازیم. بدین ترتیب مشاهده می‌شود که هر رویکرد نظری خاص منجر به برنامه‌ای خاص می‌شود. بدیهی است که در اغلب موارد، ترکیبی از انواع دیدگاههای نظری، موجب خلق برنامه‌های سیاستی می‌شوند که هم به عاملیت فردی و هم به ساختار و هم به امور کلان و میانه و هم به امور خرد معطوف است.

روش تحقیق

در این تحقیق از روش مطالعه اسنادی و سناریونگاری استفاده شده است. برای بررسی وضعیت تکدی‌گری در شهر تهران از آمار و اطلاعات سازمان رفاه، خدمات و مشارکت‌های مردمی شهرداری تهران استفاده شده است. همچنین از گزارش‌ها و تحقیقات انجام شده در مورد تکدی‌گری نیز استفاده شده اند.

وضعیت تکدی‌گری در شهر تهران

بر اساس اطلاعات دریافتی از هر یک از مناطق ۲۲ گانه شهر تهران در سال ۱۳۹۰، آسیب‌های اجتماعی در سطح مناطق و به تفکیک ناحیه و محله‌ها اولویت بندی شده است. بر این اساس اعتیاد و تکدی‌گری مهم‌ترین آسیب اجتماعی شهر تهران به شمار می‌روند که ۷ منطقه ۱۳، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۱۸ و ۲۰ بیشترین تعداد معتادان و متکدیان را دار هستند^۱. اما با توجه به داده‌ها به نظر می‌رسد ۵ منطقه از شهر تهران با موضوع تکدی‌گری، بیش از سایر مناطق درگیرند.

بر اساس این گزارش، شایع‌ترین آسیب‌های اجتماعی منطقه ۱ به ترتیب تکدی‌گری، حضور معتادین خیابانی و کارگران فصلی است. اعتیاد و معتادین خیابانی، تکدی‌گری (کودکان کار و خیابان) و کارگران فصلی از مشکلات منطقه ۲، تکدی‌گری، اعتیاد و کودکان کار از معضلات منطقه ۳ و حضور معتادان خیابانی، خرید، فروش و توزیع مواد مخدر و تکدی‌گری از مهم‌ترین معضلات منطقه ۵ است. وجود معتادان خیابانی، کودکان کار و خیابان و تکدی‌گری از مهم‌ترین معضلات منطقه ۷ و تکدی‌گری، حضور کارگران فصلی و خانواده‌های بی‌سرپناه از اهم مشکلات منطقه ۸ به شمار می‌رود. عمده‌ترین آسیب‌های منطقه ۱۴ اعتیاد، تکدی‌گری و کارتن‌خوابی و منطقه ۱۵، اعتیاد خیابانی (بی‌مکانی، کارتن‌خوابی) کودکان کار و خیابان، روابط نامشروع و مزاحمت‌های خیابانی اعلام شده است.

اعتیاد، خرید و فروش و توزیع مواد مخدر و دربروزگی از بیشترین مشکلات گزارش شده

۱. گزارش رییس کمیسیون فرهنگی شورای اسلامی شهر تهران در چهارصد و چهاردهمین جلسه شورای اسلامی شهر تهران

در منطقه ۱۶ و وجود معنادار خیابانی، تکدی‌گری و افراد بی خانمان جزء بیشترین مشکلات گزارش شده در منطقه ۲۰ است^۱ (شهرنوشت، ۱ آذر ۱۳۹۰).

جدول ۲. وضعیت تکدی‌گری در مناطق شهر تهران در سال ۹۰

منطقه	ناحیه	نام محله
منطقه ۱	۱-۲-۳-۷-۸	میدان دربند، تجریش، امام زاده قاسم(ع)، میدان قدس، خیابان شریعتی، بلوار صبا، باغ فردوس، امام زاده صالح (ع)، چهار راه فرمانیه
منطقه ۲	نواحی نه گانه	۱۶ محله (۲، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۴، ۲۶، ۲۹)
منطقه ۳	سطح منطقه	ونک، میر داماد، ولیعصر، شریعتی، دولت
منطقه ۵	۱-۳-۴-۵-۶-۷	شهرزیبا، پونک شمالی، باغ فیض، سازمان آب، فردوس، میدان صادقیه، پارک سوار آزادی، جنت آباد شمالی
منطقه ۷	۴	تمام محلات ناحیه ۴
منطقه ۸	۱-۲-۳	تهرانپارس، دردشت، هفت حوض، نظام آباد، تسلیحات
منطقه ۱۴	۴	خاوران و دولاب
منطقه ۱۶	۱-۲-۳-۴-۵-۶	باغ آذری، یاغچی آباد، خزانه و بعثت، جوادیه، علی آباد، نازی آباد، سطح منطقه ترمینال و ایستگاه متروها
منطقه ۲۰	۵-۶	خیابان حرم، میدان شهرری، سه راه تقی آباد

مأخذ: سازمان رفاه، خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران

جدول ۳. تعداد متکدیان جمع آوری شده شهر تهران (۱۳۸۶-۱۳۷۶)

سال	تعداد	شاخص
۱۳۷۶	۱۷۸	۱۰۰
۱۳۷۷	۸۱۹	۴۶۰
۱۳۷۸	۱۲۱۹	۶۸۵
۱۳۷۹	۲۰۷	۱۱۶
۱۳۸۰	۲۴۷	۱۳۹
۱۳۸۱	۵۲۸	۲۹۷
۱۳۸۲	۳۰۳	۱۷۰
۱۳۸۳	۷۳۸	۴۱۵
۱۳۸۴	۶۳۲	۳۵۵
۱۳۸۵	۳۶۶	۲۰۶
۱۳۸۶	۱۶۹	۹۵
جمع کل	۵۴۰۶	

مأخذ: معاونت اجتماعی ناجا

۱. مدیرعامل سازمان رفاه، خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران در مصاحبه با سایت شهرنوشت

آمار تفکیکی متکدیان که ناجا در طول ۱۰ سال (سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۶) در شهر تهران جمع‌آوری کرده است، نشان می‌دهد که بیشترین تعداد متکدیان جمع‌آوری شده شهر تهران به سال ۱۳۷۸ اختصاص دارد. طی این سال حدود ۱۲۱۹ نفر جمع‌آوری شده‌اند. روند صعودی شاخص از سال ۱۳۷۶ آغاز شده و در سال ۱۳۷۸ به بالاترین میزان رسیده است. پس از آن در سال ۱۳۷۹ این شاخص به سطح بسیار پایینی می‌رسد ولی در سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۳ رشد قابل توجهی در آمار متکدیان مشاهده می‌شود.

در استان تهران در مجموع ۶ مجتمع جهت ساماندهی متکدیان وجود دارد و طی سال‌های ۷۹ تا ۸۶ حدود ۳۸,۵۳۵,۹۷۸ میلیارد ریال اعتبار عمرانی و ۶,۶۹۵,۰۰۰ میلیارد ریال اعتبار جاری برای ساماندهی متکدیان در این استان در نظر گرفته شده است (کله‌پر و دغاغله به نقل از معاونت امور اجتماعی، فرهنگی و شوراهای وزارت کشور، ۱۳۸۶-۱۳۷۶).

به طور کلی بر اساس گزارشات سازمان رفاه، خدمات اجتماعی و مشارکت‌های مردمی شهرداری تهران، تکدی‌گری پس از اعتیاد در رتبه دوم آسیب‌های مهم شهری قرار دارد. این رتبه بندی بر اساس رتبه بندی و اولویت‌گذاری آسیب‌های مهم شهری، توسط سازمان رفاه و خدمات اجتماعی صورت گرفته است. همچنین بر اساس این گزارشات، پراکنش و بیشترین محل تمرکز متکدیان به تفکیک مناطق عبارتند از: منطقه ۲ تهران، منطقه ۳، منطقه ۵، منطقه ۱ و منطقه ۱۰.

بر مبنای داده‌های مربوط به میزان و وضعیت تکدی‌گری شش سال گذشته در شهر تهران، یعنی از سال ۱۳۸۵ تا پنج‌ماه نخست سال ۱۳۹۰ با توجه به زیرمجموعه‌های مرتبط در شهرداری تهران که عبارتند از: واحد ۱۳۷، گشت‌های جمع‌آوری، مراکز نگهداری، مراکز نگهداری موقت، اقامتگاه‌ها (گرمخانه‌ها)، میتوان توصیفی اولیه و کمی از این پدیده ارائه داد.

این آمارها و تحلیل آنها از دو جهت حائز اهمیت هستند که به یکدیگر وابسته‌اند، اولاً میزان توفیق برنامه‌ها و اقداماتی را نشان می‌دهند که در بخش قبل به آنها اشاره کردیم و در بسیاری از کشورهای جهان وجود دارند و اجرا می‌شوند. و ثانياً، راه را برای بسط و گسترش برنامه‌های فعلی روش‌تر می‌سازد. بدین معنا که وضعیت موجود را شرح داده، نقاط ضعف و قدرت را مشخص ساخته و راه پیشرو را نشان می‌دهد. در واقع آمارهای مربوط به تکدی‌گری را می‌توان به سه گروه، آمارهای اظهاری (مانند آمارهای واحد ۱۳۷) و تحقیقاتی (مثلاً،

آمارهای تحقیق معماری و زارع) و آمارهای معطوف به برنامه‌های سیاستی ویژه (مانند آمارهای مراکز نگهداری موقت) تقسیم نمود.

آمارهای سامانه ۱۳۷

مدیریت شهری تهران طی سال‌های اخیر شیوه‌های مختلفی را برای مشارکت دادن شهروندان در فرایند مدیریت شهر آزموده است. یکی از این تجارب که در سال ۱۳۸۵ آغاز به کار کرد سامانه نظارت همگانی ۱۸۸۸ است. این مرکز با شعار محوری "شهروند مسئول - مدیر پاسخگو" و با مأموریت "تضمین اثربخشی و سلامت سازمانی از طریق توسعه ارتباطات محیطی با رویکرد عدالت محوری و نیز توسعه یادگیری سازمانی و فرهنگ مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی در درون و برون سازمان" در نظر دارد نقش خود را جهت ایجاد فرصت برابر برای تمامی شهروندان در دسترسی سهل و آسان به مدیران شهری و نیز تشخیص تهدیدها، فرصت‌ها و آسیب‌های پیرامون مدیران شهری ایفا نماید. (روشن فکر و دیگران، ۱۳۸۹)

سامانه مدیریت شهری ۱۳۷ در سطح منطقه و نواحی و همچنین سامانه واحد ۱۳۷ سازمان رفاه و خدمات اجتماعی، پیام‌های دریافتی از مردم را در مورد دربیوزگان به واحدهای گشت شناسایی و جمع‌آوری دربیوزگان (گشت‌ها) اعلام می‌دارد. به طور کلی این سامانه در این خصوص خدمات ذیل را ارائه می‌دهد:

۱. از طریق تماس تلفنی، شهروندان مشکلات فردی، خانوادگی و اجتماعی خود را با سامانه ۱۳۷ مطرح می‌کنند و راه‌حل‌های مناسب را از کارشناسان مشاوره مستقر در این سامانه دریافت می‌کنند.
۲. این سامانه اطلاعات لازم در مورد مفقودین را به افراد تماس‌گیرنده ارائه می‌دهد.
۳. این سامانه پیام‌های دریافتی در مورد وجود افراد متکدی در سطح شهر همراه با اطلاعات مذکور را به گشت‌های جمع‌آوری اعلام می‌دارد.

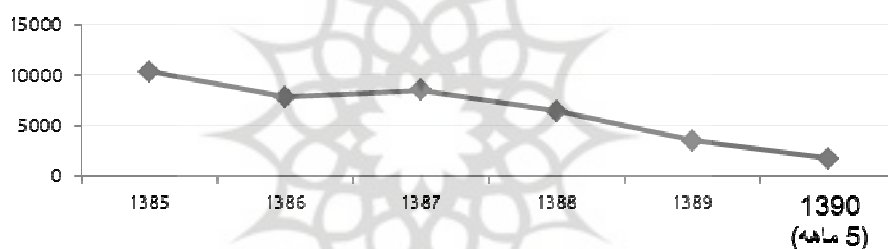
آمار سامانه ۱۳۷ در مورد تکدی گری

جدول ۴. تعداد پیام‌های سامانه ۱۳۷ در مورد تکدی گری

سیر زمانی	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰ (۵ ماهه)	جمع
تعداد پیام‌های سامانه ۱۳۷	۱۰۳۱۵	۷۷۹۰	۸۵۰۹	۶۴۳۲	۳۴۹۸	۱۷۲۶	۳۸۲۷۰

(منبع: سازمان رفاه و خدمات اجتماعی شهرداری تهران، ۱۳۹۰).

نمودار (۱). تعداد پیام‌های دریافتی سامانه ۱۳۷ در خصوص تکدی گری



چنانچه داده‌های جدول و نمودار فوق نشان می‌دهد تعداد پیام‌های شهروندان تهرانی در مورد متکدیان در طول سال‌های ۸۵ تا ۵ ماه نخست ۹۰ سیر نزولی داشته است که این امر می‌تواند به دلیل افزایش جمع آوری متکدیان توسط گشت‌ها باشد، این امر باعث کم شدن تعداد دربیوزگان در سطح شهر شده و به همین منظور تعداد پیام‌های شهروندان در این خصوص کم شده است. همچنین ممکن است در ابتدا به دلیل تبلیغات و بدیع بودن ابتکار مردم تمایل بیشتری نسبت به تماس با این سامانه از خود نشان می‌داده‌اند که در اثر گذشت زمان و عدم دریافت بازخورد مناسب، افراد به تدریج از تماس‌های خود کاسته‌اند. در هر صورت تحلیل داده‌های فعلی نیاز به تحقیقات عمیق‌تر و کیفی بر روی تماس گیرندگان دارد.

گشت‌های جمع آوری متکدیان

گشت‌های عمومی در سطح شهر سه وظیفه اساسی دارند؛ تلاش در جهت شناسایی و جمع آوری متکدیان، ایجاد ارتباط حرفه‌ای با متکدیان، حفظ شأن و منزلت انسانی متکدیان. شناسایی و جمع آوری متکدیان در سه شیفت انجام می‌پذیرد؛ الف) ۸ صبح الی ۴ بعد

ظهر. ب) ۴ بعد ظهر الی ۱۲ شب. ج) ۱۲ شب الی ۸ صبح.
 هر واحدگشت علاوه بر مجهز بودن به تجهیزاتی از قبیل مینی بوس، مکان یاب GPS،
 جعبه کمک‌های اولیه، کیسول آشنشانی و ... شامل نیروی انسانی ۳ نفره، متشکل از ۱ نفر
 مددکار، ۱ نفر مامور نیروی انتظامی و ۱ نفر راننده می‌باشند.

آمار گشت‌های جمع آوری در مورد متکدیان

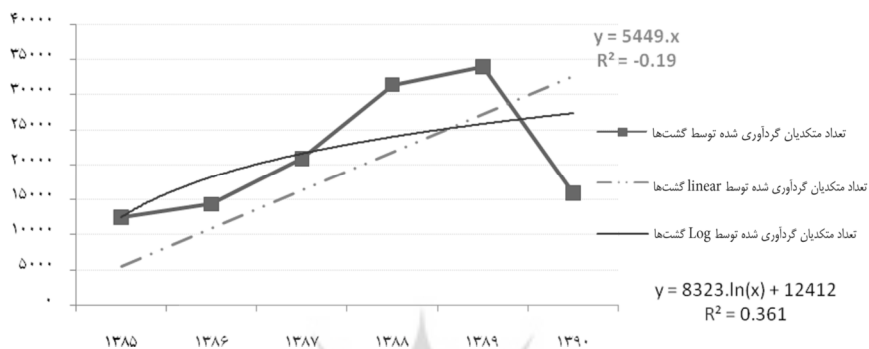
جدول ۵. آمار گشت‌های جمع آوری در مورد تکدی‌گری

جمع	۱۳۹۰ (پنج ماهه نخست)	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	
۱۰۹۹۰۶	۱۲۵۸۷	۳۰۵۰۸	۲۸۲۱۵	۱۷۳۷۷	۱۰۶۹۱	۱۰۵۲۸	مرد
۱۰۹۷۰	۱۶۱۴	۱۹۹۴	۲۳۱۱	۲۲۷۰	۱۴۵۳	۱۳۲۸	زن
۶۹۴۸	۱۷۱۴	۱۴۶۶	۸۸۱	۱۱۷۱	۱۵۳۳	۱۸۳	پسر بچه
۱۴۲۴	۶۵	۸۳	۵۵	۱۳۳	۶۶۲	۴۲۶	دختر بچه
۱۲۹۲۳۹	۱۵۹۷۱	۳۴۰۵۱	۳۱۴۶۲	۲۰۹۵۱	۱۴۳۳۹	۱۲۴۶۵	جمع کل

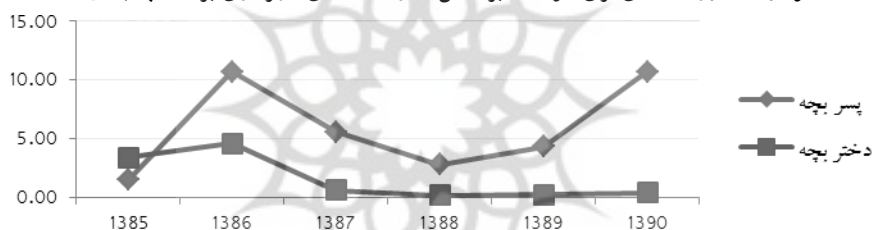
(منبع: سازمان رفاه و خدمات اجتماعی شهرداری تهران، ۱۳۹۰).

آمارها مبین این امر است اولاً تعداد متکدیان گرد آوری شده روند صعودی دارد هر چند بخشی از این داده به دلیل افزایش فعالیت گشت هاست ولی حتماً بخشی از آن را باید به افزایش متکدیان نسبت داد در نمودار ذیل مدل خطی و لگاریتمی روند تکدی‌گری بر اساس این داده‌ها برآورد شده است. درثانی نسبت متکدیان مرد جمع آوری شده توسط گشت‌ها به نسبت زن‌های متکدی در طول سال‌های ۸۵ تا نیمه نخست سال ۹۰ سیر صعودی داشته است که این امر در مورد پسر بچه‌ها و دختر بچه‌ها نیز این امر صادق است.

نمودار (۲). تعداد متکدیان گردآوری شده توسط گشت‌ها



نمودار (۳). روند تکدی‌گری کودکان براساس آمار گشت‌های شهرداری بر حسب جنسیت



ارجاع متکدیان جمع آوری شده به ارگان‌های ذی صلاح

پس از شناسایی و جمع آوری متکدیان توسط گشت‌ها، مصاحبه اولیه توسط مددکاران اجتماعی از آنان انجام می‌گیرید. مراحل مصاحبه اولیه به قرار ذیل می‌باشد:

برقراری ارتباط اولیه با مددجو، اخذ اطلاعات اولیه شناسایی از مددجو، تکمیل فرم مددکاری اجتماعی بعد از شناسایی اولیه، در صورتی که مددجو با مددکار همکاری نداشته باشد مامور نیروی انتظامی با نظارت مددکار اجتماعی همکاری می‌نماید.

بعد از شناسایی و مصاحبه اولیه مددکار اجتماعی با توجه به شرایط فرد، وی به مراکز ذی

صلاح به ترتیب زیر ارجاع داده می‌شوند:

مرکز نگهداری موقت شماره ۱	متکدیان بالای ۱۸ سال
مرکز یاسر و سایر مراکز مربوطه	متکدیان و افراد بی خانمان زیر ۱۸ سال (پسر)
مرکز نواب و سایر مراکز مربوطه	متکدیان و افراد بی خانمان زیر ۱۸ سال (دختر)
سایر مراکز با توجه به شرایط	سایر

مراکز نگهداری متکدیان به صورت اقامتگاه‌های موقت، گرمخانه‌ها و به عبارتی اردوگاه‌ها،

طی مصوبه شورای اداری سال ۷۸ کار خود را شروع کردند. شهرداری با همکاری نیروی

انتظامی نسبت به ساماندهی متکدیان در این مراکز اقدام کرده که پس از طی روند طرح ساماندهی، متکدیان بنا به تشخیص مددکار اجتماعی به یکی از مراکز نگهداری ارجاع داده می‌شوند.

آمار ارجاع گشت‌های جمع آوری متکدیان به مراکز نگهداری

جدول ۶. آمار ارجاع متکدیان به مراکز نگهداری توسط گشت‌های جمع آوری

سال	مراکز نگهداری	گرمخانه	تعداد	تعداد	دوایات آباد	تعداد	تعداد	تعداد	تعداد	تعداد
۸۵	۵۰۴۳	۴۶۳۸	۱۲۳	۴	۰	۴۲۰	۳۰۰	۳۱۰	۰	۱۶۲۷
۸۶	۵۴۸۶	۴۲۸۳	۹۷۲	۸۴	۰	۹۸۹	۴۷	۱۶۸۳	۰	۷۹۵
۸۷	۴۸۰۸	۷۲۳۴	۱۰۸۹	۳۶	۰	۹۳۵	۵۹	۲۳۹۸	۰	۴۳۹۲
۸۸	۴۵۴۵	۱۵۵۸۲	۹۶۴	۳۱	۰	۹۱۴	۱۰۰	۳۹۱۸	۰	۵۴۰۸
۸۹	۴۳۴۳	۱۳۹۱۸	۱۲۴۴	۲۲	۵۵	۵۷۷	-	۱۵۵۸	۱۶۱۰	۱۰۷۲۴
۹۰ (پنج ماهه)	۲۵۰۷	۴۵۸۷	۱۶۷۶	۳	۲۱	۲۳۰	-	۶۴۱	۳۴۷۷	۳۰۲۹
جمع	۲۶۷۴۲	۵۰۲۴۲	۵۸۶۸	۱۸۰	۷۶	۴۰۶۵	۵۰۶	۱۰۵۰۸	۵۰۸۷	۲۵۹۷۵

(منبع: سازمان رفاه و خدمات اجتماعی شهرداری تهران، ۱۳۹۰).

طبق اطلاعات آماری جدول فوق مشاهده می‌شود که بیشترین ارجاع در یوزگان به گرمخانه‌ها بوده که این گرمخانه‌ها به صورت اقامت گاه‌های موقت شبانه می‌باشند، سیر زمانی حاکی از بیشتر شدن تعداد متکدیان با توجه به ارجاع آنان به این مراکز می‌باشد که البته آمار در این بین دارای نوساناتی نیز می‌باشند. به طور آمارها نشان می‌دهند که پدیده تکدی‌گری سال به سال افزایش یافته است.

آمار مراکز نگهداری موقت

جدول ۷. آمار تعداد متکدیان توسط مراکز نگهداری موقت

جمع	۱۳۹۰ (۵ ماهه)	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	
۱۰۶۶۴	۱۰۹۱	۱۵۱۲	۲۳۶۲	۱۲۴۸	۲۲۳۲	۲۲۱۹	تعداد متکدیان پذیرش شده

(منبع: سازمان رفاه و خدمات اجتماعی شهرداری تهران، ۱۳۹۰).

آمار مراکز نگهداری موقت نشان می‌دهد که ارجاع متکدیان در بین سال‌های ۸۵ تا ۹۰ روند نزولی داشته است.

آمار اقامتگاه‌های موقت شبانه (گرمخانه‌ها)

جدول ۸. آمار تعداد متکدیان توسط اقامتگاه‌های موقت شبانه

جمع	۱۳۹۰ (۵ ماهه)	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	
۶۸۳۵۸۰	۵۶۵۵۰	۱۴۲۷۷۸	۱۱۵۳۹۴	۱۵۷۴۳۸	۱۲۲۹۲۸	۸۸۴۹۲	مجموع نفر شب گرمخانه‌ها

(منبع: سازمان رفاه و خدمات اجتماعی شهرداری تهران، ۱۳۹۰).

اطلاعات آماری اقامتگاه‌های موقت نیز نشان می‌دهد که تعداد متکدیان در سیر زمانی روند صعودی داشته است و میزان متکدیان ارجاع داده شده و پذیرش شده این اقامتگاه‌ها بیشتر شده است.

متولیان سیاستگذاری اجتماعی در امر متکدیان (دولت یا نهادهای مدنی) و

سناریوهای پیشنهادی

چنانچه پیشتر مشاهده شد، گروه‌ها و سازمان‌های متفاوتی مداخله در امر تکدی‌گری را در بخشهای متفاوت دنیا بر عهده می‌گیرند. در واقع بحث در این باره که اجرای "سیاستهای اجتماعی" باید بر عهده چه گروهی باشد، یک بحث زنده و امروزی است که در بسیاری از کشورها در جریان است. در ابتدا، تنها دولت مداخله در امور اجتماعی را در اختیار داشت و با

قانون‌گذاری و اجرای قوانین سعی در تغییر ساختارهای جامعه یا کنترل پدیده‌های اجتماعی می‌کرد. در مرحله بعدی و به دلیل محدودیت‌های دولت در زمینه اجرای این سیاستها، نهادهای عمومی همچون شهرداریها نیز وارد مداخلات مربوط به این امور شدند. در دهه‌های اخیر اما بخش سوم، نهادهای مدنی و گروه‌های داوطلبانه، نیز بخش بزرگی از اجرای سیاست‌های اجتماعی را بر عهده گرفته‌اند که بخصوص رویکرد سازمان‌های مردم‌نهاد، با حرکت‌های ابداعی خاصی در این زمینه همراه بوده است.

در واقع عملکرد هر یک از این بخشها با موانعی همراه است و همچنین دارای مزایایی است که بخشهای دیگر از آن بی‌بهره‌اند. برای مثال چنانچه در مورد کانادا مشاهده می‌شود، مداخلات اجتماعی دولتی این قابلیت را دارند که در سطح بسیار پهنای برای مثال کل کشور کانادا- اجرا شوند. همچنین این مداخلات به دلیل امکان دستیابی به زیرساخت‌های کلان و بودجه قابل توجه، شامل پروژه‌های بزرگ و پرهزینه‌ای هستند که شاید در بخشهای دیگر ممکن نباشد. نهادهای عمومی از آن جهت که به نوعی پل ارتباطی مردم و نهادهای دولتی به حساب می‌آیند از موقعیت خاصی در زمینه ارتباط این دو گروه و همچنین دسترسی به اطلاعات واقعی در زمینه پدیده‌های اجتماعی برخوردارند. برای مثال، این نهادها قدرت خوبی در جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های مربوط به پدیده‌ها دارند. همچنین این نهادها می‌توانند بسیاری از مداخلات بزرگ دولتی را به صورت پایلوت و در مرحله اولیه انجام داده و نتایج را به نهادهای دولتی گزارش نمایند.

سازمان‌های مردم‌نهاد و فعالیتهای بخش سوم، نیز امروزه از اهمیت خاصی در حیطه سیاست‌گذاری اجتماعی برخوردارند. آنها به دلیل دوری از ساختارهای قدرت و مسائل بوروکراتیک، محمل خوبی برای پرداخت واقعی و انسانی به مشکلات اجتماعی فراهم می‌کنند و توانسته‌اند پا را از بعد "خیریه‌ای" خود فراتر گذاشته و در بسیاری از موارد دست به اقداماتی "توانمندسازانه" بزنند که هم شامل حال متکدیان و هم شامل حال افرادی است که پتانسیلی برای جب به تکدی دارند. چنانچه بعدتر نیز خواهیم دید در اغلب کشورها هر سه بخش در اجرای سیاست‌های اجتماعی با یکدیگر همکاری نزدیکی دارند، هر چند ممکن است برنامه‌ریزی سیاست‌های اجتماعی در یک کشور بیشتر بر عهده نهادهای دولتی باشد و دیگر نهادها در فرایند برنامه‌ریزی تنها نقش مشاوره‌ای بر عهده داشته باشند.

با همه این مقدمات می‌توانیم خطوط کلی یک برنامه سیاستی مناسب برای مهار پدیده تکدی‌گری را ارائه کنیم. بر اساس محتویات این تحقیق، چارچوبهای دو سناریوی پیشنهادی برای برخورد با پدیده تکدی‌گری در جامعه را میتوان ارائه نمود. این دو سناریو در تقابل انحصاری با یکدیگر قرار ندارند و می‌توانند به شکل مکمل نیز به کار گرفته شوند، چنانچه بعدتر مشاهده خواهیم نمود، بعضی از موضوعات در میان هر دوی آنها مشترک است:

۱- سناریوی عملکرد برای مهار تکدی‌گری در شهر تهران

اولین قدم در تدوین این سناریو، تعریف دقیق پدیده تکدی‌گری خواهد بود. به عبارتی باید روشن شود که چه چیز را تکدی‌گری می‌دانیم و چه چیز را تکدی‌گری نمی‌دانیم. برای مثال آیا تکدی‌گری تنها شامل مبادله پول است یا مبادله غذا و پوشاک را نیز در بر می‌گیرد. آیا عملی فعالانه و همراه با درخواست است یا شامل تکدی منفعلانه (مثلا با نشستن در معابر) نیز می‌شود. آیا فرد متکدی، کسی است که به شکل انفرادی دست به چنین اقداماتی بزند یا جزئی از یک گروه سازمان یافته است. در واقع باید تلاش شود که پدیده تا حد ممکن "تدقیق" و "تحدید" شود. ممکن است که بدین ترتیب گروه زیادی از افرادی که تحت آسیبهای اجتماعی دیگر (مثلا کارتن خوابی) قرار دارند از شمول این واژه خارج شوند. این سناریو در انتخاب تعریف عموماً متمایل به تعاریف دقیقی است که جمعیت محدود و قابل تمایزی را نشان می‌دهد. برای مثال ممکن است افراد بزرگسالی (بین ۱۸ تا ۶۵ سال) که به صورت "غیر منفعلانه" در اماکن عمومی به درخواست پول یا کمک بدون ارائه هیچ خدمت یا کالایی مبادرت می‌کنند را شامل شود. تعیین این تعریف بر اساس ویژگی‌های زمانی و مکانی مختلف ممکن است متفاوت باشد.

قدم بعدی تعیین رویکرد نظری ما به موضوع است: در این سناریو، غالباً رویکرد نظری خرد و فردی را به موضوع تکدی‌گری انتخاب می‌نمایند و بر خصوصیات فردی متکدیان متمرکز می‌شوند که عواملی مانند: ساختارهای خانوادگی، مشکلات مالی، اعتیاد و بیکاری فرد را به عنوان ریشه‌های اصلی گرایش به این فعل در نظر می‌گیرد. لذا اقدامات بعدی نیز معطوف به همین ریشه‌هاست و عموماً ساختارهای کلان‌تر جامعه مانند نظام تولید یا توزیع را هدف قرار نمی‌دهد. این رویکرد منجر به انواع اقدامات اورژانسی و حمایتی کوتاه و میان مدت را پشتیبانی می‌کند.

در این سناریو متولیان امر، سازمانهایی هستند که به طور مستقیم با متکدیان سر و کار دارند، برای مثال شهرداری و بخشهای اجتماعی نیروی انتظامی (پلیس) و همچنین سازمانهای غیردولتی و داوطلبانه به عنوان بازوی نهادهای دولتی و عمومی. منابع مورد استفاده در این سناریو محدود بوده و عموماً منابع عمومی در اختیار سازمانهای دولتی و عمومی است. در مجموع در این سناریو، سیاست مورد نظر، ترکیبی از یک سیاست کنترلی - حمایتی با جنبه‌های محدودی از توانمندسازی است که می‌توان رئوس آن را بدین ترتیب برشمرد:

- ۱- شناسایی متکدیان در سطح شهرها، پیشنهاد (و نه اجبار) کمک به آنها
- ۲- در صورت قبول کمک، تحویل متکدیان به گرمخانه‌ها و مراکز بازپروری
- ۳- کمک به متکدیان در زمینه بهداشت روحی و جسمی: کمک به درمان بیماریهایی مانند سوءتغذیه، ترک اعتیاد و بازپروری
- ۴- کمک به متکدیان برای یافتن شغل مناسب با معرفی آنان به کارگاهها، کارخانه‌ها و ادارات
- ۵- تلاش برای ایجاد ارتباط دوباره متکدیان با خانواده هایشان و بازگشت به آغوش خانواده
- ۶- ترخیص آنان از مراکز بازپروری و گرمخانه‌ها و رصد آنان در طول زمانهای بعدی و استمرار کمکها تا زمان لازم.

بدین ترتیب ما یک سیاست "ادغام‌گرا" را در پیش خواهیم گرفت که هدف اصلی آن بازگرداندن افراد متکدی به آغوش جامعه با استفاده از ابزارهای رفاه اجتماعی و مداخله ارگانهای مسئول است. آنچه باید بدان توجه شود این است که این سیاست مانند هر سیاست اجتماعی دیگر، گروه‌هایی از متکدیان را از دایره شمول خود خارج می‌کند. برای مثال، چنانچه متکدی تمایلی به رفتن به مراکز بازپروری یا گرمخانه نداشته باشد و مقاومت کند، چه؟ در این مورد نیز باید راهکارهای تکمیلی اندیشیده شود که برای مثال یکی از این راهکارها می‌تواند تامین نیازهای اولیه مانند غذا و پوشاک باشد.

۲- سناریوی آرمانگر برای مهار تکدی‌گری در شهر تهران

بسیاری از بخشهای این سناریو، تفاوتی با سناریوی پیشین ندارد، با این تفاوت که آن را "آرمانی" نامیده ایم به این دلیل که چشم انداز آن نه ترمیم وضعیت فعلی که اصلاح امور به

شیوای است که در طولانی مدت پدیده‌ای به نام تکدی‌گری وجود نداشته باشد. البته تفاوت چنین سیاستی با سیاستهای "محو‌گرایانه" و "جرم‌انگارانه" در این است که در این سیاست تلاش نمی‌شود تا با شیوه‌های پلیسی یا قضائی، این پدیده محو شود بلکه تلاش می‌شود تا در طول زمان، امور به گونه‌ای اصلاح گردد که افراد خود به انتخاب خود درگیر چنین مقوله‌هایی نشوند.

در اینجا نیز نیاز به تعریف دقیق مفهوم "تکدی‌گری" در اولین مرحله داریم. و عموماً تعاریفی جامع و گسترده انتخاب می‌شود. پس از انجام این تعریف، رویکرد نظری تلفیقی با تأکیدات کلان و ساختارگرا را انتخاب می‌نماییم. یعنی تلاش می‌کنیم دلایل گرایش به تکدی‌گری را بیش از زمینه‌های فرئی و خانوادگی آن در سطح کلان و ساختاری را مورد بررسی قرار داده (از خلال تحقیقات) و راه‌حلهایی برای آنها بیابیم. در اینجا تأکید بر ساختارهای کلانی است که فرد را به سوی تکدی‌گری سوق می‌دهند: عدم وجود حمایت‌های رفاهی کافی، عدم وجود فرصت‌های شغلی برای طیف‌های مختلف جامعه، نظام توزیع و تولید ناعادلانه و مانند آنها.

در قدم بعدی، متولیان این امور را درگیر کار خواهیم کرد، باید توجه کنیم که در اینجا، به دلیل کلان بودن مشکلات، نیازمند مداخله سازمانها و نهادهای متعدد مانند دولت و وزارتخانه‌هایش، قوای مقننه و قضائیه، بازار (بخش خصوصی)، جامعه مدنی (به عنوان ناظر) و سازمان‌های بین‌المللی (همچون سازمان ملل) نیز هستیم. یک برنامه پیشنهادی برای چنین سیاستی می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

۱- تلاش برای شناخت عوامل کشش به سوی تکدی‌گری در نظام اقتصادی، آموزشی،

قضائی و مانند اینها

۲- تلاش برای رفع بیکاری و بهبود وضعیت اشتغال در کشور

۳- تلاش برای بهبود وضعیت رفاهی خانواده‌ها با استفاده از انواع بیمه‌ها و خدمات اجتماعی

۴- تلاش برای جذب افراد بیکار یا معتاد به داخل ساختارهای اشتغالی

در واقع در اینجا ما با یک سیاست "پیشگیرانه" مواجه هستیم که تلاش دارد تا از عوامل کشش به سوی تکدی‌گری جلوگیری نماید و بدین ترتیب با این پدیده مقابله نماید.

جمع بندی

آنچنان که مقاله فعلی نشان می‌دهد، تکدی‌گری پدیده‌ای اجتماعی با قدمتی بسیار است که به اشکال متنوع دیده می‌شود. این قدمت و تنوع، موجب شده است تا برخورد با این پدیده نیز دشوارتر شده و نیازمند تحلیل و عزم جدی تر باشد. آنچنان که مرور بر تحقیقات داخلی و خارجی نشان می‌دهند، عوامل تسهیل‌کننده تکدی‌گری مانند هر آسیب اجتماعی دیگر متنوعند و در سطوح مختلفی - از فردی و خانوادگی گرفته تا کلان و اجتماعی و اقتصادی- وجود دارند: بیسوادی، بیکاری، کهولت، فقر و نداری، از کار افتادگی و بیماری و خرج درمان (ساروخانی، ۱۳۷۷)؛ خانواده نامنسجم و والدین بی‌مسئولیت، آموزش‌های غلط توسط والدین، تلویزیون و مطبوعات، مهاجرت بی‌رویه از روستاها به شهرها، استحاله فرهنگی، نداشتن مهارت و آشنایی با حرفه و فعالیت خاص و فقدان دانش و مهارت در خانواده و دسترسی غیر کارآمد به امکانات اصلی زندگی (فتحی و دیگران، ۱۳۸۰)؛ فقر، نگرش فرهنگی مثبت در خصوص کمک به متکدیان و خلاءهای قانونی (کله‌ر، ۱۳۸۸)، تنها بخشی از این دلایل هستند. مرور تحقیقات خارجی نیز از این قاعده مستثنا نیستند و طیف وسیعی را در برمیگیرند، با این تفاوت که در بعضی از موارد مشکل را در سطحی بالاتر دنبال نموده و ارتباط آن با جهانی شدن مورد بررسی قرار می‌دهند (آدریانسنس و کلی، ۲۰۰۶) و گاه دارای تفاوتی با دلایل طرح شده در تحقیقات ایرانی هستند که می‌تواند ریشه در تفاوت بسترهای مورد بررسی داشته باشد، برای مثال کندی و فیتزپاتریک (۲۰۰۱) در تحقیق خود به الکلیسم و زنا با محارم اشاره می‌کنند که در تحقیقات ایرانی غایبند، با این حال عوامل مشترک نیز کم نیستند.

این ماهیت متکثر و متنوع، اما کار نظریه پردازی و سیاست گذاری و روشهای مواجهه با آن را دشوار ساخته و به شدت "بسترمند" می‌سازد. به این معنا که تکدی‌گری در بسترها- مکانها و زمانهای مختلف با شرایط اجتماعی و اقتصادی خاص خود- شکلی منحصر بفرد می‌یابد که نیازمند انجام تحقیقات و تحلیلهای خاص خود است و در بسیاری از موارد نمی‌توان نظریات و تجارب یک مکان را در مکان دیگری تکرار نمود. با این حال در عین توجه به بسترمندی، نباید از الگوها و شباهت‌های کلی این پدیده در نقاط مختلف دنیا نیز غافل شد،

مثلا به نظر می‌رسد تعداد متکدیان مرد، عموماً بیشتر از متکدیان زن است. (ادهمی و ترکمان، ۱۳۸۸؛ Wikipedia، 2011) همین الگوها و شباهتها ما را قادر به استفاده از تجربیات دیگر کشورها و بسترها در زمینه مبارزه با تکدی‌گری می‌کند. برای مثال تجربیات دیگر بسترها به ما نشان می‌دهد که برنامه‌های پیشگیرانه اغلب نقش مثبتی در زمینه اجتناب از ورود افراد به دريوزگی بازی می‌کنند و همچنین برنامه‌های توانمندسازی می‌تواند باعث شود که افراد تکدی‌گری را ترک کنند. در عین حال در همه جا، نیاز به برنامه‌های فوری برای تامین پناهگاه و غذا برای افراد تکدی‌وجود دارد. اما برای مثال اطلاعات ما در مورد نتایج جرم‌زدایی یا جرم‌انگاری تکدی‌گری یکدست و کامل نیست و نتایج گوناگونی در این باره وجود دارد که ممکن است با بستر مورد بحث در ارتباط باشند. توجه به بستر در مورد خاص ایران، باید با توجه به مذهب به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای جامعه همراه می‌شود که چنانچه بیشتر اشاره شد، رابطه میان این دو-اسلام و تکدی‌گری - نیازمند تحقیق و تدقیق بیشتر از جانب متخصصان امر است.

اقدامات و تلاشهای حکومتی ایران در این زمینه از قدمت کمی برخوردار نیستند (از زمان تشکیل بلدیة در ۱۳۰۷ تا به امروز). با این حال به نظر می‌رسد هرگز یک سند سیاست اجتماعی منسجم بومی و با پشتوانه علمی برای برخورد با این پدیده اجتماعی وجود نداشته و تدوین نشده است. عدم وجود چنین اسناد و برنامه‌هایی، موجب شده است که با وجود تلاش‌های بسیار و همکاری‌های میان بخشی، اغلب اقدامات "مقطعی" و "واکنشی" بوده (مثلاً یورش به متکدیان برای پاک کردن چهره شهر) و فاقد تحلیل پیش‌زمینه‌ای و برنامه‌آتی باشند.

در این میان شهرداری تهران به دلیل آنکه متولی اداره بزرگترین شهر کشور است، مسئولیت و البته امکانات ویژه‌ای را در برخورد با این پدیده در اختیار دارد که از تعدادی از آنها کمک گرفته و می‌تواند در آینده امکانات بالقوه موجود را به کار گیرد. شاید اولین مرحله برای انجام این کار، انجام یک "تحلیل وضعیت" دقیق از وضعیت فعلی این پدیده در شهر تهران، به همراه مشخصات و پراکندگی جغرافیایی در یوزگان باشد که موجب شناخت وضعیت موجود در نزد سیاست‌گذاران خواهد شد. در مرحله بعدی، تدوین برنامه‌ای که حیطة عمل و رویکرد شهرداری به این پدیده و رابطه آن با دیگر ارگانهای مسئول را مشخص سازد، می‌تواند

مفید فایده باشد. برای مثال، شهرداری باید رابطه خود با وزارت کشور-استانداری-فرمانداری-دادگستری استان-سازمان بهزیستی-کمیته امداد امام خمینی-نیروی انتظامی-سازمان صداوسیما- وزارت کار و اموراجتماعی- را مشخص تر نماید. به ویژه رابطه خود با سازمانهای مردم نهاد را مشخص کرده و امکانات و اختیارات لازم را به آنها واگذار نماید، مانند کشور هند و شهر بمبئی که در آن قسمت بزرگی از کار مبارزه با دریوزگی به سازمانهای مردم نهاد و خیریه‌ها محول شده است. اقدام دیگر می‌تواند بررسی، مطالعه دقیق و نهایتاً استفاده از "اقدامات برتر"^۱ی باشد که در دیگر کلانشهرهای دنیا اجرا شده و با نتایج مثبتی همراه بوده است، که البته باید با توجه به بستر تهران و مقتضیات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی این کلانشهر صورت گیرد.

مروری بر اقدامات صورت گرفته و همچنین مشاهده وضعیت فعلی تکدی‌گری در ایران، ما را به این نتیجه‌گیری نزدیک می‌سازد که اقدامات صورت گرفته تاکنون هر اندازه که مفید هم بوده باشند، کافی نبوده‌اند. چنانچه پیشتر نیز اشاره کردیم بعضی از ناکارامدیها و عدم تناسبها، دلیل "عدم شناخت" درست از پدیده هستند. این عدم شناخت می‌تواند به دو شیوه تا اندازه قابل قبولی اصلاح شود:

- ۱- فراهم کردن اطلاعات لازم از طریق انجام پیمایشها و سرشماری‌های متمرکز بر افراد متکدی در سراسر کشور: تا تصویری از وضعیت کمی (تعداد، پراکندگی، سن، وضعیت تاهل و ..) متکدیان پیش چشم ما قرار بگیرد.
- ۲- انجام پژوهشهای جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی در زمینه موضوع تا علاوه بر فراهم نمودن داده‌های کیفی بتوانیم در خصوص وضعیت متکدیان، ریشه‌های گرایش به این پدیده و پیامدهای آن را به خوبی درک کنیم.

این امر را می‌توان نقطه آغاز طراحی هر سیاست اجتماعی در قبال تکدی‌گری در ایران دانست. یعنی تا زمانی که ما به شناخت دقیقی از پدیده دست نیافته ایم، همگی تلاشهای ما در زمینه سیاست‌گذاری مبتنی بر حدسیات و دیدگاههای فردی است که هیچ کدام نمی‌توانند پایه و مبنای خوبی برای طراحی یک سیاست اجتماعی کارا و مستمر باشند. همچنین درک

صحیح از ابعاد این پدیده و امکانهای گسترش آن در آینده رهنمون برنامه‌ها و منابع پشتیبان آنهاست.

نکته دیگری که در مرحله پیش از طراحی سیاست باید به آن توجه شود، تعیین نهاد یا نهادهای مسئول در این زمینه و روشن کردن تقسیم کار بین آنهاست که پیش از این نیز تا اندازه ای صورت گرفته اما باید در جهت تدقیق و رفع مشکلات (همپوشامی و موازی کاری و تداخل فعالیت‌های) آن تلاش شود. آنچه بایستی در این زمینه مورد توجه قرار بگیرد، انتخاب ترکیب کارآمد و مناسبی از نهادهاست. در اینجا الزاما تعدد نهادها، موجب افزایش کارایی نمی شود، بلکه انتخاب ترکیب مناسبی از آنها به شکلی که حیطه وظایف هر یک نیز مشخص شده باشد به یاری ما می‌آید. برای مثال، به نظر می‌رسد شهرداری تهران به عنوان متولی بزرگترین شهر کشور باید یکی از ارگانهای مسئول در این زمینه باشد. همچنین ترکیب مناسبی از سازمانهای مردم نهاد و ارگانهای غیردولتی دیگر (مانند هلال احمر) نیز بایستی به کار گرفته شوند. این کار با اسب شناسی وضعیت و عملکرد متولیان کنونی و اقدامات آنان از طریق پژوهشهای تخصصی و نیز نشستهای مشترک میسر خواهد بود.

نکته دیگر، شناخت دقیقتر و عمیقتر این پدیده با رویکردی مذهبی است. در واقع باید تلاش شود تا دیدگاههای رسمی و غیررسمی به این پدیده از دیدگاه دینداران مورد بررسی قرار گیرد. تدقیق در کتب مذهبی، مشاوره گرفتن و تعامل با روحانیون و دیگر متخصصین و متفکران مذهبی و نظرسنجی از اقدار مذهبی جامعه می‌تواند باعث شود تا در سیاستگذاری آینده مان، هم حساسیتهای مذهبی پیرامون این پدیده را در نظر داشته باشیم و هم برای طراحی یک برنامه سیاستی بهتر از المانهای مذهبی موجود در جامعه مان (برای مثال لزوم دستگیری از فقرا) سود ببریم.

با همه این مقدمات همچنان که در بخش قبلی سناریوهای پیشنهادی تشریح شد، می‌توانیم خطوط کلی یک برنامه سیاستی مناسب برای مهار پدیده تکدی‌گری را ارائه کنیم. بر اساس محتویات این تحقیق، چارچوبهای دو سناریوی پیشنهادی برای برخورد با پدیده تکدی‌گری در جامعه را میتوان ارائه نمود. این دو سناریو در تقابل انحصاری با یکدیگر قرار ندارند و می‌توانند به شکل مکمل نیز به کار گرفته شوند، چنانچه مشاهده شد، بعضی از موضوعات در میان هر دوی آنها مشترک است. در خصوص سیاست عملگرا، لازمه اجرای چنین سیاستی،

در اختیار داشتن بودجه و امکانات سکونتی و بهداشتی مناسب در طولانی مدت طرح است تا بتوان از ابتدا تا انتهای این فرایند را به خوبی انجام داد. همچنین این سیاست نیازمند به کارگیری (اعم از استخدام یا کار داوطلبانه) گروه بزرگی از متخصصان است که در طول فرایند و پس از آن به متکدیان یاری برسانند. میزان کارایی چنین سیاستی نیز باید مرتباً در طول زمان مورد بررسی قرار گیرد تا چنانچه پیشرفتی در آن حاصل نشد، مشمول انواع بازنگریها شود. اما در سیاست آرمانگرا تلاش نمی‌شود تا با شیوه‌های پلیسی یا قضائی، پدیده تکدی‌گری محو شد بلکه تلاش می‌شد تا در طول زمان، امور به گونه‌ای اصلاح گردد که افراد خود به انتخاب خود درگیر چنین مقوله‌هایی نشوند. در واقع در اینجا ما با یک سیاست "پیشگیرانه" مواجه هستیم که تلاش دارد تا از عوامل کشش به سوی تکدی‌گری جلوگیری نماید و بدین ترتیب با این پدیده مقابله نماید.

سناریوهای پیش‌گفته به لحاظ نظری از دسته بندی دو طیف از دیدگاه‌های وفاق و تضاد بدست آمده است. دسته اول نظریات بیشتر معطوف به نقش و عوامل فردی در بسط و شکل‌گیری این پدیده هستند و آنها را مهمتر می‌دانند، در حالیکه دسته دوم بیشتر بر نقش ساختارهای اجتماعی و اقتصادی متمرکز هستند و نقش این ساختارها را مورد بررسی قرار داده و اهمیت بیشتری برای آنها قائل می‌شوند. بدیهی است که در هر دو دیدگاه، به عوامل سطح دیگر نیز توجه می‌شود و تنها نقطه تفاوت "تاکید" بر یکی از دو سطح است. بدین ترتیب سناریوی عملگرا به لحاظ نظری مرتبط با دیدگاه‌های وفاق است و سناریوی آرمانگرا مرتبط با دیدگاه‌های تضاد که بر نابرابری و جنبه‌های ساختاری در شکل‌گیری پدیده تکدی‌گری تأکید می‌ورزد.

بدیهی است که انواع سناریوهای سیاستی دیگر در قبال این موضوع قابل بحث و تدوین است و این دو نمونه مثال‌هایی برای تقریب ذهن بودند. در نمونه‌های مذکور می‌توان برنامه‌عملی را ناظر به مبارزه کوتاه مدت و برنامه آرمانی را مربوط به تلاش بلند مدت برای مبارزه با پدیده دانست که بعضاً در کنار یکدیگر یک سیاست ایده آل برای مبارزه با این پدیده را می‌سازند. همچنین هر سناریو، برنامه‌ها و سیاست اجتماعی دیگر باید اولاً با بستر جامعه مورد نظر تطابق داشته باشند و ثانیاً تحت ارزیابی مداوم قرار گیرد تا میزان کارایی آن مورد بررسی قرار گرفته و در صورت لزوم با برنامه‌های دیگری جایگزین یا تکمیل شوند.

منابع

- ادهمی، جمال و ترکمان، مهدی (۱۳۸۸). بررسی وضعیت متکدیان شهر تهران و ارائه راهکارهای ساماندهی آن. اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.
- اسکیدمور، ویلیام (۱۳۷۴) تفکر نظری در جامعه‌شناسی، علی محمد حاضری و دیگران، تهران: سفید.
- اکبری، ابوالقاسم و مینا اکبری (۱۳۹۰) آسیب شناسی اجتماعی، تهران: رشد و توسعه.
- بیات، بهرام (۱۳۸۷) فراتحلیل آسیب‌های اجتماعی، تهران: معاونت اجتماعی اداره کل مطالعات اجتماعی نیروی انتظامی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۷) در یوزگان؛ پژوهشی در شناخت تکدی در شهر تهران، تهران: کلمه.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی، چاپ دوم، تهران: ندای آریانا.
- شهرنوشته، (۱۳ شهریور ۱۳۹۰)، سازمان متکدیان در تهران تشکیل شده است.
- شیخاوندی، داور (۱۳۷۳) جامعه‌شناسی انحرافات، تهران: مرندیز.
- حاجیان مطلق، محمود (۱۳۸۳) تأملی بر پدیده تکدی و ریشه‌های آن در ایران، مجموعه مقالات، ج پنجم، تهران: آگاه.
- روشنفکر، پیام؛ کلانتری، عبدالحسین؛ فلاحی گیلان، روح الله (۱۳۸۹) شهروندی فعال و نظارت شهروندی، دانش شهر، شماره ۲۸، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران.
- فتحی شاهین و دیگران (۱۳۸۰) بررسی ویژگی‌های متکدیان شهر تهران، وزارت کشور، استانداری تهران؛ معاونت سیاسی - امنیتی.
- کلهر، سمیرا (۱۳۸۸) فراتحلیل آسیب‌های اجتماعی (تکدی گری) در تهران، طرح پژوهشی، تهران: دفتر مطالعات فرهنگی اجتماعی شهرداری تهران.
- کوچکیان فرد، حسین (۱۳۸۳) مفهوم تکدی و اقدامات دولت و سازمان‌های غیر دولتی در برخورد با آن، مجموعه مقالات جلد پنجم، تهران: آگاه.
- گسن، ریموند (۱۳۷۰) مقدمه‌ای به جرم‌شناسی، مهدی کی نیا، تهران: مترجم.
- منتظر قائم، مهدی (۱۳۸۶) تکدی‌گری در ایران، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- معتمدی، حمید (۱۳۸۷) علل اقتصادی اجتماعی موثر بر پدیده تکدی‌گری در شهر مشهد،

پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی و رفاه اجتماعی، دانشگاه تهران: دانشکده علوم اجتماعی.

- Adriaenssens,Stefan and Cle,Ann,(۲۰۰۶)Beggars in Brussels or the globalization of Extreme poverty.paper for Dog Van de sociologie.
- Catherine, kennedy and Suzanne Fizpatrick (2001) Begging Rough sleeping and social Exclusion. Implication for social policy, urban studies Journal 38, (P2001-2016) <http://usj.sagepub.com>.





پرو، شہ گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی